

خائنی که در افکار عمومی قهرمان ملی بود

۱۰ بهمن ۱۴۰۱ ساعت ۷:۴۲

مروان اعلام کرد که حاضر است در قبال دریافت پول، اسناد محرمانه ارتش مصر را در اختیار موساد بگذارد. اشرف مروان بار دیگر یعنی روز ۵ اکتبر ۱۹۷۳ به سازمان جاسوسی اسرائیل هشدار داد و این بار تأکید زیادی بر حتمی بودن حمله نیروهای مصری داشت.

معمولاً هر کس که از کشورش به نفع یک کشور دیگر جاسوسی کند خائن به شمار می‌آید؛ اما ظاهراً این مساله در مورد اشرف مروان طور دیگری است زیرا وی هم در کشورش مصر و هم در اسرائیل یک قهرمان محسوب می‌شود؛ و این در حالی است که وی بر اساس مدارک و اسناد کاملاً متقن و قابل استناد، در سال ۱۹۷۳ نقشه‌های جنگی ارتش مصر را در اختیار سازمان‌های جاسوسی و امنیتی دشمن یعنی اسرائیل قرار داده بود. اشرف مروان در سال ۱۹۴۴ به دنیا آمد و به عنوان فرزند یکی از افسران ارتش مصر، از جمله یکی از نزدیکترین افراد در میان طیف‌های گوناگون پیرامون رئیس‌جمهور جمال عبدالناصر به حساب می‌آمد. مهم‌تر آن که مروان با دختر پریزیدنت ناصر یعنی با مونا ناصر ازدواج کرده بود؛ و اگرچه که ناصر با وجود همه این پیوندها تا زمانی که زنده بود فاصله خود را با دامادش حفظ کرد اما به هر حال مروان به اطلاعات فوق‌محرمانه دولتی دسترسی داشت. بعد از مرگ ناگهانی ناصر در سال ۱۹۷۰ نیز دسترسی ویژه مروان به بالاترین سطوح حکومتی مصر حفظ شد و برقرار ماند. او در مقام مشاور انور سادات (جانشین ناصر) در حوزه سیاست خارجی به یکی از شبکه‌های مهم ارتباطی و سیاسی و به تبع آن به رهبران مختلف جهان عرب مرتبط بود. کشور مصر در اوایل دهه ۱۹۷۰ همچنان در حال مقابله با پیامدهای ناشی از شکست در جنگ شش روزه به سر می‌برد. ارتش اسرائیل در سال ۱۹۶۷ و در عملیاتی شبیخون مانند، سراسر شبه‌جزیره سینا را اشغال و نیروهای مصری را تا آن سوی کانال سوئز عقب رانده بود. وضعیت برای متحدین مصر یعنی سوریه و اردن هم بهتر نبود زیرا این دو کشور نیز با از دست دادن اورشلیم شرقی، کرانه باختری رود اردن و بلندی‌های جولان، در عمل بخش‌های قابل توجهی از قلمرو خود را به اسرائیل باخته بودند؛ و از آن به بعد بود که بازپس‌گیری اراضی اشغالی به اولویت نخست جهان عرب بدل شد. در این مقطع بود که مصر توانست با میانجی‌گری مروان شماری جت جنگنده از نوع میراژ ۵ ساخت فرانسه را از معمر قذافی دیکتاتور لیبی تحویل بگیرد؛ و بدین صورت بود که امکان یک حمله تلافی‌جویانه علیه اسرائیل ممکن به نظر می‌رسید. روز ششم اکتبر ۱۹۷۳ و در ساعات آغازین شب یوم کیپور یا همان بزرگترین جشن یهودیان بود که نیروهای ارتش مصر حمله خود را آغاز کردند. این حمله برای نیروهای اسرائیلی بسیار غافلگیرکننده بود؛ زیرا پس از بارها هشدار و اعلام خطر اشتباه، هیچ کس انتظار حمله‌ای از سوی مصر آن هم در یوم کیپور را نداشت. گفتنی است اشرف مروان در اواخر دهه ۱۹۶۰ و پس از آن که چندین سال از مهاجرت خود و خانواده‌اش به لندن می‌گذشت، برای نخستین بار با سازمان جاسوسی اسرائیل موسوم به موساد ارتباط برقرار کرد. داماد جمال عبدالناصر در

آن زمان به شدت بی پول بود و احساس می کرد که پدرزن فقیدش به دلیل همان فاصله ای که از دامادش می گرفت، او را تحقیر می کرد. حداقل در فیلمی که در کمپانی نت فلیکس ساخته شد، به نام «جاسوس مصری که اسرائیل را نجات داد»، چنین ادعایی شده است. مروان اعلام کرد که حاضر است در قبال دریافت پول، اسناد محرمانه ارتش مصر را در اختیار موساد بگذارد. اشرف مروان بار دیگر یعنی روز ۵ اکتبر ۱۹۷۳ به سازمان جاسوسی اسرائیل هشدار داد و این بار تأکید زیادی بر حتمی بودن حمله نیروهای مصری داشت. البته رئیس وقت موساد یعنی «تزوی زامیر» حرف مروان را باور کرد و بار دیگر به دولت خبر داد که باید نیروهای ارتش را به حال آماده باش درآوردند اما این بار دیگر کسی به گزارش های آن منبع موثق سابق اعتماد نداشت. البته اسرائیل به خاطر این برآورد اشتباه تاوان تلخ و سنگینی پرداخته زیرا تا زمان برقراری آتش بس با سوریه در ۲۲ اکتبر ۱۹۷۳ و آتش بس با مصر در ۲۴ اکتبر، بیش از ۲۷۰۰ سرباز اسرائیلی کشته شدند. اگرچه شمار کشته های سوریه و مصر بالغ بر ۲۰ هزار نفر می شد. اشرف مروان پس از جنگ یوم کیپور نیز به تهیه و ارسال اطلاعات به سازمان جاسوسی موساد ادامه داد؛ زیرا به عنوان مشاور نزدیک پرزیدنت سادات همچنان به جزئیات و اطلاعات بسیار محرمانه و مهم کشورش مصر دسترسی داشت. پس از سوء قصد به جان سادات و مرگ وی در سال ۱۹۸۱ بود که مروان نیز از همه مشاغل دولتی کناره گرفت و بار دیگر به لندن بازگشت و به عنوان یک تاجر بار دیگر نقشی دوگانه و این بار در عرصه تجارت در پیش گرفت. از یک طرف دست به سرمایه گذاری های کلان می زد و از طرف دیگر دوستانی تازه و پرنفوذ پیدا می کرد. مروان در افکار عمومی مصر به عنوان یک قهرمان ملی شناخته می شد و حتی پس از بروز شایعات در مورد احتمال جاسوسی های وی در سال ۲۰۰۲، باز هم شهرت نیک خود را حفظ کرد و البته این مساله مرهون روابط نزدیک وی با صاحبان ثروت و قدرت بود. در عین حال مرگ مروان نیز به نوعی اسرارآمیز به شمار می آید. او در ۲۷ ژوئن ۲۰۰۷ و به علت و دلیلی کاملاً نامشخص از بالکن آپارتمان خود در طبقه چهارم یک مجتمع واقع در لندن سقوط کرد و در دم جان داد.

منبع: یوری باریوسف، «فرشته: اشرف مروان؛ موساد و غافلگیری روز غفران»، ۱۳۹۰، به نقل از سایت الجزیره

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۴۹۰۶۸/خائنی-افکار-عمومی-قهرمان-ملی>